



در تهران چه گذشت!!!!؟ کانون صنفی معلمان تهران

آفتاب گرم بهاری چهره ها را سیاه کرده بود، برخی از راه های دور آمده بودند، نگرانی از سرو روی همه می بارید. گوشه ای از بهارستان تعقیب و گریز بود. گوشه ای دیگر رفت و آمد به کندی انجام می شد. ماموران نیروی انتظامی همه جا بودند، تا چشم کاری کرد آدم ایستاده بود. هر چند متر یک نفر را با توتم کاشته بودند. دسته ای از معلم ها دوان دوان می رفتند و چند نفر پشت سر آنها با باتوم و مشت و لگد می زدند. چند تا از زنان را که در این تعقیب و گریز توان کریختن را نداشتند، زیر باتوم از پافتادند. برخی از ماموران ارشد اطلاعات هم خونسرد گوشه ای ایستاده بودند. هر گاه چند نفر از معلمان دور هم جمع می شدند، شعار دادن را آغاز می کردند. "معلم زندانی آزاد باید گردد." هر بار این فریاد سر داده می شد. مامورها به سمت شعار دهندگان حمله می کردند. و با مشت و لگد به جان زن و پیرو جوان می افتادند. خیابان شلوغ بود. گروهی لباس شخصی وارد جمعیت شدند. ابتدا جمعیت را به دو تکه تقسیم کردند سپس هر دسته را نیز به دو دسته تقسیم نمودند. نگاه با مشت و لگد و باتوم به جان هر دسته افتادند و همه را متفرق کردند اما کار به همین پایان نیافت. در هر گوشه عده ای معلم جمع شدند. و فریاد زدند. "معلم زندانی آزاد باید گردد." تا ساعت ۱۷ این روند ادامه داشت جمعیت گروهی به سمت چهارراه استانبول و گروهی به سمت پل چوبی به راه افتادند. گروه بسیاری از دیگر استانها هم به تهران آمده بودند. و با لهجه های گوناگون گفتگو می کردند. داخل خیابان جمهوری بودیم از روبرو دسته ای از نظامی ها آمدند. حمله کردند از دم همه را می زدند و قیچی می کردند. میزدند و روی زمین می انداختند. زمین افتادگان را دستگیر می کردند. و به جلو پیش می آمدند. پشت سر را نگاه کردیم گروهی دیگر از نظامی ها پشت سرمان را نیز بسته بودند. از دو طرف به جان معلم ها افتادند. تعداد زیادی را زدند و تعداد رانیز دستگیر کردند. اسامی دستگیر شدگانی که تاکنون گزارش شده است: خانم ثریا دارابی سردبیر هفته نامه ی قلم معلم (همسر محمد خاکساری)

سجاد خاکساری (پسر ارشد محمد خاکساری) سرکار خانم میرزایی رسیدگی به مشکلات و احقاق حق شان هستند. شرکت شهد سلماس از واحدهای بسیار خوب و فعال استان آذربایجان غربی بود.
۱۹/۰۲/۱۳۸۶

۲۰۰ صیاد بوشهری مقابل استانداری تجمع کردند در صفحه ۴

نقد مختصری در مورد تجدید نظر در مفاهیم بنیانی مارکسیستی

در صفحه ۶

دفاع از پناهندگان و مهاجرین افغانی وظیفه انسانی و انقلابی همه ما است

نظام ارتجاعی و مذهبی ایران که فریاد «مستضعف پناهی» آن گوش فلک را کر کرده است، میخواهد تمام نتایج سیاست های ارتجاعی و استثمارگرانه و چپاولگرانه خود را بر روی پناهندگان و مهاجرین افغانی مقیم ایران بار کند و به بهانه «رفع مشکل بیکاری» و یا «افزایش جرایم و بزه کاریها» انبوه زحمتکشانشان افغانی را که سالهای متمادیست در ایران کار و زندگی میکنند بزور از خانه و کاشانه شان بیرون انداخته و از کشور اخراج کنند. در حالیکه بیکاری و افزایش بزهکاری جزو ذاتی نظام سرمایه داری الالخصوص نظام سرمایه داری ایران است که یک مشت مافیای قدرت و ثروت تمام شریانیهای اقتصادی کشور را در دست گرفته و مردم را به روز سیاه نشانده اند. و هیچگونه ربطی به حضور مهاجرین افغانی ندارد. وظیفه هر فرد انسان دوست و آزادیخواه است که از حق اقامت و کار و حقوق شهروندی پناهندگان و مهاجرین افغان دفاع کرده و مانع تعرض رژیم به محل کار و زندگی آنان شده و بر علیه سیاست آزار و اذیت و اخراج آنها از هیچ اقدامی فرو گزار نکنند. بویژه وظیفه کارگران ایران و مخصوصا کارگران بیکار است که با اعلام انزجار از چنین سیاستی به حمایت از هم طبقه ای های افغانی خود برخاسته و حق کار و اقامت آنها دفاع کنند.

دست رژیم فاشیستی از پناهندگان زحمتکش افغانی کوتاه!

رژیم اسلامی ایران بار دیگر تهاجم گسترده ای را برای اخراج انبوه کارگران افغانی از ایران آغاز کرده است.

حکومت اسلامی ایران هم مثل همه جریانات فاشیستی و شبه فاشیستی در دیگر کشورهای جهان، گناه بیکاری و جرائم و بزهکاری های ناشی از سرمایه داری و نابسامانی های اجتماعی و فساد حکومتی را به گردن پناهندگان و مهاجرین می اندازد و اخراج آنان را یکی از راه های ایجاد اشتغال برای بیکاران و ایجاد امنیت در کشور جا می زند.

ادامه در صفحه ۳

دعا دختر جوان کرد به قتل رسید

خبر - کردستان عراق: در روز ۷ آوریل دختر کرد جوانی به جرم علاقه به پیوند با یک جوان عرب توسط خانواده و طایفه اش کردهای یزیدی با همکاری ماموران انتظامی در شهر باشقه نزدیکی موصل به قتل رسید. پس از ۲۰ روز بالاخره در روز ۲۷ آوریل از طریق تصاویری چند ثانیه ای از مراسم به قتل رسیدن دعا که توسط موبایل ضبط شده بود خبر این جنایت دهشتناک منتشر شد.

ادامه در صفحه ۲

دعا دختر جوان کرده به قتل رسید

دعا دختر جوان ۱۷ ساله به جرم دوست داشتن به

قتل رسید

دعا فقط به قتل نرسید سنگسار شد

نه، دعا لگدسار شد

دعا تکه پاره شد

اینجا عراق است

اینجا کردستان عراق است

اینجا زیر سایه "دمکراسی" آمریکایی و دولت کردی، مردان آزادانه و در امنیت کامل، دختران و زنان جوان خود را تکه پاره می کنند. امشب دوشنبه ۷ آوریل ۲۰۰۷ است. هنوز جسد دعا روی سنگفرش خیابان است و مردان شهرک باشقه با آرامش خیال و غرور و سربلندی از اینکه شرف و ناموس را حفظ کرده اند، سر بر بالین نهادند.

سران طایفه کردهای یزیدی امشب قبل از رفتن به بستر، خدا را عبادت می کنند که رحمت دموکراسی آمریکایی را به کمک بمب افکن های آمریکایی برایشان به ارمغان آورد تا در امنیت کامل اتحاد قبیله و طایفه را از طریق پافشاری بر آداب و سنن و فرهنگ و ایدئولوژی زن ستیزانه پدرسالاری عهد عتیق حفظ کنند. امین!

رهبان احزاب کردی به کابینه های خود در دولت بازگشتند تا در جلسه بعدی با باندهای مذهبی و بنیادگرا و ناسیونالیست اعلام کنند که همانا آمریکا آمده است تا قدرت آنان را تقویت کند و برایشان دمکراسی تامین کند تا هر آنچه در انبان دارند از اشاعه نفرت قومی و تقویت و تشدید آئین و مسلک و فرهنگ زن ستیزی و هر جنایت دیگری که در دین و مسلک شان هست خودداری نکنند.

رهبان کرد ممنون از این همه دمکراسی که آمریکایی ها به آنان اعطا کرده اند به کابینه های خود بازگشتند. این دیگر یک دمکراسی آمریکایی تمام عیار است. "زنده باد آزادی!" همه زن ستیزان آزادند تا زنان سرکش را به اشد مجازات محکوم کنند و آزادانه حکم را جاری کنند.

اینجا کردستان عراق است. پیکر زنان جولانگاه جنگ های قومی و مذهبی است. دولت کردی مراحم دولتمداری اش را از آن دریغ نمی کند. جسم زنان بهای انسجام قدرت سیاسی آنان است.

امروز شنبه ۷ آوریل است. امروز یکشنبه ۸ آوریل است. زنان فعال سازمان های "غیر دولتی" در حال پیچ و چو و گفتگوی درگوشی هستند.

آنان زجه های دلخراش دعا را شنیدند وقتی پیکر نحیقش زیر باران مشت و لگد و سنگ در هم شکست. آنان صدای خرد شدن روح سرکش دعا را شنیدند وقتی مردان نظامی و قوم و خویش دامن او را از تنش کشیدند تا جسمش را به همراه روحش به قتل رسانند.

شاید زنان سازمان های "غیر دولتی" دلشان سوخت. اما نتوانستند حرفی بزنند. لابد شوهرانشان، که اغلب از مقامات دولت کردی هستند، به آنان گفتند که سکوت در مقابل این جنایات یکی از وظایف شماست. بودجه مالی شما برای تقویت دولت کردی و تبلیغ "دمکراسی" آمریکایی است. و زنان صادق این تشکلات دست ساخته امپریالیستها به واقعیت متعفن تن دادند و سکوت کردند.

رسانه های کردی سکوت کردند. تا توانستند رقص کردی یزیدی پخش کردند. شاید شب شنبه ۷ آوریل در ساختمان تلویزیونها و رسانه ها از روی میز اتاق خبر دستی نامرئی خبر قتل دعا را ناپدید کرد.

بیش از ۲۰ روز طول کشید تا دعا ادعای خود را از اعماق خاک به گوش ما رساند. امروز دعا در کنار ماست. دعا به تک تک ما زنان خیره شده تا فریاد دادخواهی او را به گوش افکار عمومی مترقی جهان برسانیم.

دعا صدایش از اعماق راهی گشود تا ما آن را بشنویم:

از امروز از روز ۷ آوریل دیگر نام همه زنانی که چون من قربانی قتل ناموسی شده اند دعا شد. دعا نام رمز صدها زنی است که از زمان قدرت گیری حکومت کردی زیر سایه ارتش آمریکایی قربانی قتل های ناموسی و شرف شده اند.

متهمان:

خانواده و طایفه دعا، مسخ شده با افیون مذهب و آئین و فرهنگ قرون وسطا؛ چماق و پاسبان طبقات صاحب قدرت در کردستان؛ آبیاری نظام ستم و استثمار این طبقات صاحب قدرت.

دولت کردی: نماینده پارتی که در نشست طایفه برای محاکمه دعا شرکت کرد؛ نیروهای انتظامی که دعا به آنها پناه برد و آنان وی را تحویل خانواده دادند؛ سپس با چکمه هایشان به جان دعا افتاده و سنگسار را با لگدسار تکمیل کردند. آنان در انجام وظیفه ای که طبقات ارتجاعی برای حفاظت از مناسبات و فرهنگ و سنن عقب مانده بر عهده شان گذاشته اند، سنگ تمام گذاشتند.

نیروهای سیاسی بومی دیگر: بنیادگرایان اسلامی سنی و شیعه که همراه با احزاب کردی طرفدار آمریکا، دست در دست هم با تقویت فرهنگ و افکار کهن، روابط اقتصادی و سیاسی ارتجاعی، فضای مساعدی برای قتل های ناموسی ایجاد کرده اند. آنان کاخ هایشان را بر روی اجساد زنان بالا می برند.

نیروهای امپریالیستی اشغالگر: اینان چون ماشین مرگ در هر نقطه خاورمیانه که پای می گذارند، به هیولاهای قرون وسطائی ضد زن جانی تازه می دمند؛ نظام های عشیره ای پدرسالار موجود در این جوامع را مانند سگی هار رها کرده و بجان زنان می اندازند؛ دست در دست نیروهای مرتجع این کشورها، روابط هار و حیوانی میان انسان ها شکل می دهند؛ روابطی که در آن پدر و برادر سنگ بر سر دخترانشان می کوبند، یکی از آنهاست. کلیت این روابط حاکم اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، اکثریت مردم را خرد و زخمی می کند. آن چنان از خود بیگانگی را در میان انسانها دامن زده که افتخار و غرور مردمی، به قتل رساندن دختران و زنان و خواهرانشان به خاطر "ناموس" است. به "خاورمیانه دموکراتیک" خوش امید!

حکم:

قبل از اینکه تک تک زنان خاورمیانه به سرنوشت من گرفتار شوند؛ قبل از آنکه نیروهای امپریالیستی و مرتجعین داخلی، بیش از این به جسد کندیده ی سنت و مذهب جانی تازه بدمند؛ نیروی خود را سازمان دهیم و با جرات و جسارت برای ساختن جهانی دیگر، با مناسباتی دیگر، به پا خیزیم. جهانی که با دفن نظام های پدرسالار - هم در شکل قرون وسطائی بومی عشیره ای آن و هم در شکل سرمایه داری امپریالیستی آن - متولد می شود. این حکم تاریخی است که از فریادهای دعا می شنویم: برای دختران دعا، خواهران دعا، مادران دعا

۲۹ آوریل ۲۰۰۷

سازمان زنان هشت مارس (ایرانی، افغانستانی)

دفاع از بناهندگان و مهاجرین افغانی وظیفه انسانی و انقلابی همه ما است

این یک دروغ فاشیستی است که گوئی کارگران افغانی اند که جای کار را برای کارگران ایرانی تنگ کرده اند؛ یا این افغانی ها هستند که تخم جرم و جنایت به خاک ایران آورده اند! اگر کسی جا برای مردم ایران تنگ کرده و باعث گرسنگی و ناامنی زندگی آن ها باشد، در درجه اول خود حاکمان رژیم اسلامی اند. با اخراج کارگران بلا دیده افغانی که سخت ترین کارها را با پائین ترین دستمزد و حقیقتاً در شرایط بردگی و بدون هیچگونه حقوقی انجام می دهند، هیچ مشکل اقتصادی و هیچ مشکل اجتماعی مردم ایران حل نخواهد شد. این کارگران افغانی نیستند که بعد از کار شاق روزانه با مرسدس بنزهای ضد گلوله به قصرهای صد میلیاردی شان برمی گردند یا با هواپیمای خصوصی شان برای خوشگذرانی آخر هفته به جزیره کیش می روند؛ این کارگران افغانی نیستند که دلارهای نفتی را به حساب های شخصی شان لوله کشی کرده اند؛ این کارگران افغانی نیستند که صنایع و کارخانه های بزرگ دولتی را تحت عنوان خصوصی سازی به قیمت یک اجر می خردند و با اخراج صدها و هزارها کارگران ها، نان آنان را اجر می کنند. اگر برای حل مشکلات اقتصادی ایران؛ برای ایجاد اشتغال برای بیکاران و برای تامین امنیت برای مردم باید کسی را از ایران بیرون انداخت، همه حاکمان دزد مفت خور و جنایتکار و تروریست و آقا زاده های شان اند که کشور را چاپیده و خونرحمتکشان را به شیشه کرده اند.

کارگر و بیکار ایرانی که می داند کسی که او را از امنیت شغلی و تأمینات اجتماعی؛ از ثروت کشور، رفاه و از یک زندگی شایسته محروم کرده نه عملاء گرسنه خواب افغانی بلکه کوسه های آدمخواری مثل رفسنجانی اند، در دام غریبه ستیزی فاشیستی رژیم اسلامی نخواهد افتاد و حتی اگر در حال حاضر توان یک سازماندهی مؤثر برای جلوگیری از اخراج افغانی ها را نداشته باشد، دست کم هم دلی و حمایت طبقاتی اش را از آنان دریغ نخواهد کرد.

که در روز پنجشنبه سوم ماه ماه ۲۰۰۷ بخش شد توجه کنید! تا ببیند خونریزهای واقعی چه کسانی هستند! بنابر خبر بی بی سی: سه کارگر مجروح اخراج شده از ایران می گویند که توسط مأموران پلیس آن کشور ضرب و شتم و سپس از ساختمان پایین انداخته شدند. ... یکی از کارگران زخمی گفت: ما در ایران کار می کردیم. یکروز ساعت هفت صبح

مأموران پلیس وارد محل کار ما شدند و از ما خواستند سریع حرکت کنیم و با آنها برویم تا ما را به افغانستان رد مرز کنند. ما شروع به التماس کردیم و از آنها خواستیم تا به ما مهلت بدهند که حقوق خود را از صاحبکار بگیریم، اما هنوز حرف ما تمام نشده بود که توسط آنها به زور از ساختمان به پایین انداخته شدیم و وقتی به هوش آمدیم خود را در شفاخانه (بیمارستان) هرات یافتیم (بی بی سی). یکی از این کارگران که توسط پاسداران رژیم جمهوری اسلامی از ساختمان به پایین پرتاب شده بود در بیمارستان درگذشت. در اینجا، هم جلا و هم قربانی مرد هستند. این جنایات نیز بدنبال اخراج هزاران ستم دیده افغانی صورت می گیرد که از جهنم افغانستان به جهنم رژیم نژادپرست و هیتلرمنش جمهوری اسلامی که نامش ایران است پناه برده اند تا شاید سرپناهی برای خود و خویشان شان فراهم نمایند.

مردم زحمتکش افغانستان زیر سم ستوران سرمایه جهانی و ارتجاع داخلی

دختران ۸ ساله خود را به دلیل خشکسالی می فروشند.

خبر تکان دهنده است اما متأسفانه انفاقی است که هر روز میافتد. کشور افغانستان سالهاست که دچار جنگ و خونریزی و فلاکت اقتصادی است. فشار بحران اقتصادی و جنگ بیش از پیش بردوش زنان سنگینی میکند زنان افغانستان زیر فشار کار و زحمت ناچارند قوانین و سنت های ارتجاعی مذهبی و مرد سالارانه را که در جامعه ریشه ای تاریخی دارند و هواره توسط امپریالیسم انگلیس و امریکا تقویت شده و میشوند، به سختی زندگی میکنند و به جرات میتوان مدعی شد که زنان افغانستان جزو محرومترین زنان دنیا محسوب میشوند که در جامعه مذهب زده و در اشغال امپریالیستها از هرگونه حق و حقوق انسانی محرومند. اخیراً بنا به نوشته یک هفته نامه انگلیسی: روستائیان افغانی که پس از خشکسالی محصولاتشان را از دست دادند دختر بچه های خود را در ازای دریافت پول برای خرید آذوقه می فروشند.

به گزارش خبرگزاری زنان ایران، ایونا، به نقل از هفته نامه «ابزرور»، عزیزگل ۱۰ ساله از روستای هوچا در غرب افغانستان است. امسال محصول گندم در اثر خشکسالی از بین رفت و خانواده وی گرسنه بودند؛ بنابراین کمی پیش از کریسمس مادر عزیزگل وی را برای ازدواج با یک پسر ۱۳ ساله فروخت.

«صاحت گل»، مادر ۳۰ ساله وی می گوید: «من باید دخترانم را به خاطر خشکسالی بفروشم. ما غذای کافی نداریم و قیمت عروس ما را قادر به خرید غذا می کند. سه ماه پیش دختر ۱۵ ساله ام ازدواج کرد.»

وی افزود: «ما پیش از این تا این حد بیچاره نبودیم. اکنون باید آنها را زودتر شوهر بدهم. و در صورتی که خشکسالی بدتر شود، باید آنها را مجبور به ازدواج کنم. قیمت عروس ۲۰۰ هزار افغانی معادل دو هزار پوند است. پدر وی (داماد) برای ترتیب دادن عروسی به خانه ما آمد. پسر این مبلغ را قسطی پرداخت می کند. ابتدا وی به ما پنج هزار افغانی داد که من از آن برای خرید غذا استفاده کردم.»

مادر عزیزگل گفت: «بسیاری خانواده ها این کار را به خاطر خشکسالی انجام می دهند. داماد که رحیم نام دارد، برای پول درآوردن به همراه برادرانش به ایران رفته است. وی هر ماه به ما تلفن می زند تا ببیند آیا عزیزگل هنوز متعلق به وی است.» به گزارش ایونا، نجیب الله ۳۹ ساله که یک کشاورز است نیز می گوید که دختر هشت ساله اش را به قیمت سه هزار دلار به نامزدی یک مرد ۲۲ ساله درآورده که وی نیز برای به دست آوردن پول برای پرداخت بهای عروس به ایران رفته است.

زری گل ۴۰ ساله نیز می گوید کودک سه ماهه خود را تنها با آب جوش و شکر تغذیه می کرد زیرا چیز دیگری نداشت.

وی افزود: «کودکم مرد زیرا ما غذای کافی نداشتیم. من می خواستم از سینه ام به او شیر بدهم اما شیر کافی نداشتم.»

۲۰۰ صیاد بوشهری مقابل استانداری تجمع کردند

۲۰۰ صیاد شهرستان بوشهر در اعتراض به عملکرد رییس شیلات این استان، مقابل استانداری تجمع کرده و در حالی که پلاکاردهایی در دست داشتند، خواستار رسیدگی به مشکلات اخیر خود شدند. یکی از صیادان که به نمایندگی از دیگر صیادان صحبت می‌کرد، مشکلات اخیر را همزمان با روی کار آمدن رییس شیلات استان بوشهر اعلام کرد و گفت: تجمع امروز صیادان، به دلیل تداخل ابزار صید و عدم مدیریت صید از سوی شیلات به خصوص در ارتباط با استفاده صیادان از شیوه‌های صید غیر معمول و ممنوعه از جمله تور گوشگیر کفروب است. وی با اشاره به اینکه صیدگاه‌های گروگرداری که از شیوه‌های سنتی این شهرستان در گذشته محسوب می‌شده، در حال حاضر نا امن شده است، گفت: اگر چه این شیوه ممنوع است، اما به لحاظ درخواست صیادان به آزادی این نوع صید، شیلات نسبت به آزادی این ممنوعیت تن داد. این صیاد افزود: این عمل اداره کل شیلات استان بوشهر در حالی است که از سوی هزاران دانشمند در سراسر دنیا به سازمان ملل اعلام شده که دولت‌ها از هرگونه شیوه صیدی که به بستر دریا آسیب می‌رساند به خصوص تور ترال و گوشگیر کفروب جلوگیری کنند تا بستر دریا همچنان به عنوان زیستگاه ابریان، دست نخورده باقی بماند. وی یادآور شد: از سال ۸۰ و طی صورتجلسه‌های مختلف کمیته صید و با نظر تحقیقات شیلات ایران، این روش ممنوع شد، ولی چون بازتاب سیاسی داشت، آن را دوباره آزاد کردند. وی افزود: اگر شیلات به دنبال استقرار و بقای صید، ماهیگیری پایدار و درآمد اقتصادی برای صیاد است، باید نسبت به برداشت از ذخایر و منابع، بهره‌برداری از دریا و استفاده از ابزار صید نظارت و مدیریت داشته باشد.

۱۳۸۶/۰۲/۱۸

۶۵ کارگر گونی بافی ارومیه بلا تکلیف هستند کارخانه گونی بافی ارومیه به دلیل بدهکاری به تامین اجتماعی و بانک‌های عامل و ضعف مدیریت، از آبان سال ۸۴ تا کنون تعطیل است. کارفرمای کارخانه گونی بافی ارومیه بیش از ۷۵۰ میلیون تومان بدهی دارد و مطالبات معوقه کارگران را نیز پرداخت نکرده است. ۶۵ کارگر این واحد اکنون بیکار و بلا تکلیف هستند و کسی پاسخگوی مطالباتشان نیست. جمعی از کارگران کنف کار دراستانداری گیلان تجمع کردند این کارگران ۱۰ ماه است حقوق نگرفته اند

جمعی از کارگران شرکت کنف کار رشت که بیش از ۱۰ ماه حقوق نگرفته و در بلا تکلیفی به سر می‌برند، در استانداری گیلان تجمع کردند. تجمع کنندگان با اشاره به اینکه شرکت نساجی کنف کار از کارخانجات بزرگ نساجی کشور بوده که در امر خصوصی سازی به بخش خصوصی واگذار شد و بر اثر بارش برف سال ۸۴ خسارت جزئی دیده بود، گفتند: خواستار دریافت حقوق معوقه و ایام بلا تکلیفی خود هستیم. کارگران معترض اعلام کردند که با وجود برگزاری جلسات متعدد در استانداری و فرمانداری، تاکنون هیچ نتیجه‌ای مبنی بر متقاعد کردن کارفرما برای پرداخت حقوق کارگران به دست نیامده است. کارگران این شرکت گفتند: پس از بحران ناشی از بارش برف، کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته و پس از گذشت مقرر بیکاری طبق ضوابط مشغول کار می‌شدند، اما متأسفانه مدیریت این واحد از راه اندازی مجدد کارخانه سرباز زده و مدت ده ماه است که کارگران از دریافت هرگونه حقوقی محروم هستند. ۱۳۸۶/۰۲/۱۴

کارگران صندوق نسوز کاوه به جرم شرکت در حرکت‌های صنفی اخراج شدند کارگران صندوق نسوز کاوه می‌گویند: پس از اعتراضات صنفی سال گذشته، اضافه کاری آنها قطع شده است. این کارگران که تعدادی از آنها در مراسم روز جهانی کار حضور داشتند، گفت: مشکلات آنها هنوز برطرف نشده است. این کارگران با بیان اینکه عده‌ای از همکاران آنها به جرم شرکت در حرکت‌های صنفی ظرف چند ماه گذشته اخراج شده اند، گفتند: نمی‌دانیم چه باید بکنیم، زیرا به دلیل برتری کارفرما و مدیریت، از انجام حرکت‌های صنفی وحشت داریم. کارگران ناراضی صندوق نسوز کاوه در خصوص علت شرکت خود در مراسم روز جهانی کارگر گفتند: این روز تنها روزی است که می‌توانیم بدون ترس از کارفرما، در تجمع شرکت کنیم. این کارگران با انتقاد از وضعیت دستمزدها و امنیت شغلی جامعه کارگری گفتند: اگر برگزار کنندگان و متولیان مراسم روز جهانی کارگر بخواهند از این روز برای شعار دادن استفاده کنند، محبوبیت خود را در جمع کارگران از دست خواهند داد. ۱۳۸۶/۰۲/۱۴

کارگران قوه پارس قزوین ۱۱ ماه است حقوق و مزایا نگرفته اند کارگران قوه پارس قزوین ۱۱ ماه حقوق، مزایا و عیدی سال ۸۵ را نگرفته اند. ۶۸ کارگر رسمی در این واحد کار می‌کنند که اکثریتشان بالای ۲۰ سال سابقه کار دارند.

کارفرما بیش از یک سال است که حق بیمه کارگران را به تامین اجتماعی پرداخت نمی‌کند و موجب مشکل در سوابق بیمه‌ای کارگران شده است. کارگران سرویس رفت و آمد به کارخانه ندارند و از جیب خویش هزینه می‌کنند، در حالیکه هیچگونه حقوقی نیز دریافت نمی‌کنند. ۱۳۸۶/۰۲/۱۴

۸۰ کارگر قراردادی ایران خودرو دیزل اخراج شدند

نماینده کارگران قراردادی اخراجی شرکت ایران خودرو دیزل، گفت: بعد از پایان تعطیلات نوروزی سال ۸۶، تعداد ۸۰ کارگر قراردادی شرکت ایران خودرو دیزل از جانب کارفرما اخراج شدند. مرتضی رشیدی، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: کارفرما گفته است که مدت قرارداتان به اتمام رسیده و برای شرکت امکان همکاری با شما کارگران وجود ندارد، بهتر است تسویه حساب کنید. وی گفت: کارفرما همه حق و حقوق کارگران قراردادی را پرداخت کرده و از این نظر مشکلی وجود ندارد، اما اکنون بیکار هستیم و خواستار بازگشت به کار اولیه. نماینده کارگران اخراجی افزود: متأسفانه شرکت‌هایی چون ایران خودرو، کارگران را به صورت قراردادی جذب می‌کنند و بعد از چند سالی شروع به اخراج آنان می‌کنند، تا طبق مصوبه دولت که کارگران با داشتن ۵ سال سابقه کار می‌توانند استخدام رسمی شوند، ملزم به اجرای مصوبه نباشند.

۱۲/۰۲/۱۳۸۶

کارگران صنایع فلزی ایران شش ماه است حقوق نگرفته اند

شش ماه است که مسوولان کارخانه به بهانه‌های مختلف از پرداخت حقوق به کارگران این کارخانه خودداری می‌کنند. بیش از ۲۰ هزار کارگر در این کارخانه مشغول به کار بودند که اواخر اسفندماه حدود ۳۰۰ نفر از آنها اخراج شدند و سایرین هم فقط به دلیل استخدام رسمی بودن به ظاهر در آنجا مشغول به کار هستند. کارگران این کارخانه شش ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند، بارها و بارها شرکت‌های مختلف برای عقد قرارداد با کارخانه صنایع فلزی ایران اعلام آمادگی کرده بودند که متأسفانه مسوولان کارخانه به بهانه‌های مختلف از امضای این قراردادها خودداری کردند و اینگونه از زیر بار حقوق دادن به کارگران ← رسمی خود شانه خالی

کردند. از زمانی که ۵۱ درصد کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد، این مشکلات به وجود آمد و متأسفانه هیچ فردی به خواسته‌های کارگران گوش نمی‌کند. کارگرانی که با حقوق ۲۰۰ هزار تومانی به سختی زندگی می‌کردند در حال حاضر در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. امنیت شغلی مهمترین خواسته کارگران است، که متأسفانه به دلیل نبود مدیریت صحیح به خواسته‌های کارگران رسیدگی نمی‌شود. مدیرانی که حقوق دو میلیون تومانی دریافت می‌کنند، مشخص است که با مشکلات کارگری که ۲۰۰ هزار تومان دریافتی دارد، آشنا نباشد.

۱۱/۰۲/۱۳۸۶

کارگران "پادز اینچ" قزوین با تاخیر شش ماهه حقوق می‌گیرند
این شرکت که محصولات تولیدی‌اش قطعات اتوبوس است، ۲۳۰ کارگر قرار دادی دارد که کارفرما با تاخیر شش ماهه حقوقشان را پرداخت می‌کند. این کارگران افزودند: کارفرما در محیط کار مرتب با کارگران درگیری لفظی دارد و در صورت اعتراض کارگران برای گرفتن حق‌شان، تهدید به اخراج می‌شوند. این کارگران تاکید کردند: تاکنون بارها به مسوولین اداره کار مراجعه کرده‌ایم، اما هیچ توجهی نشده است. کارگران تصریح کردند: شرکت پادز اینچ از نظر تولید و فروش در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد، اما متأسفانه کارفرما فقط به فکر بهره‌کشی و تضييع حقوق کارگران است.

۱۲/۰۲/۱۳۸۶

کارگران معدن منگنز ایران: ۲۲ سال سابقه کار ۱۸۳ هزار تومان حقوق و کار در عمق ۲۴۰ متری زمین جمعی از کارگران معدن "منگنز ایران" واقع در قم که در مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه شهید شیرودی حضور داشتند، گفتند: ۴۰۰ کارگر به صورت قرار دادی در معدن منگنز ایران واقع در قم کار می‌کنند که با مشکلات عدیده‌ای رو به رو هستند. کارگران معدن منگنز ایران در عمق ۲۴۰ متری زمین کار می‌کنند و اکثرشان با سابقه کار ۵ الی ۲۲ سال تنها ۱۸۳ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند. کارگران این واحد با اشاره به اینکه معدن منگنز ایران در خاورمیانه حرف اول را می‌زند، تصریح کردند: ما کارگران قرار دادی وسایل حفاظت ایمنی مناسب کار نداریم و در صورت اعتراض به وضعیت وسایل کار، حقوق

و سایر مزایا، از جانب کارفرما تهدید به اخراج می‌شویم. قراردادهای موقت کار منعقد شده با کارگران سه ماهه است و به شدت از نظر امنیت شغلی، بهداشت محیط کار و مزایای قانونی با مشکل روبه‌رو هستیم. کارگران افزودند: به دلیل سختی کار، برخی از کارگران به بیماری دیسک کمر دچار شده‌اند و پول کافی ندارند که خودشان را معالجه کنند.

۱۷/۰۲/۱۳۸۶

۱۱۰ کارگر طوطیای خوی بلا تکلیف هستند
کارخانه طوطیای خوی در آذربایجان غربی، به دلیل نبود نقدینگی و ضعف مدیریت از سال ۸۱ تا کنون تعطیل است. محصولات تولیدی کارخانه طوطیای خوی، بیسکویت و ویفر بوده و ۱۱۰ کارگر در این واحد کار می‌کردند. کارگران اکنون بیکار و بلا تکلیف هستند و با توجه به شکایت‌هایی که کرده‌اند هنوز نتوانسته‌اند مطالبات و حقوق معوقه‌شان را از کارفرما دریافت کنند.

۱۴/۰۲/۱۳۸۶

۱۲۵ کارگر نساجی درخشان یزد ۱۲ ماه است حقوق و مزایا نگرفته‌اند
کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی درخشان یزد ۱۲ ماه حقوق و مزایا به علاوه بن سال ۸۴ و ۸۵ را از کارفرما نگرفته‌اند. ۱۲۵ کارگر رسمی در این واحدها کار می‌کنند که از ۱۵ تا ۲۷ سال سابقه کار دارند. این کارخانه ۷۰ سال است تاسیس شده و اولین کارخانه در استان یزد به شمار می‌رود، اما اکنون مدیران داخلی ریسندگی و بافندگی درخشان یزد در صدد انحلال کارخانه هستند.

۲۱/۲/۱۳۸۶

موفقیت کارگران فولادسازی آمریکا کارگران ۹ کارخانه فولادسازی متعلق به شرکت Rexam Beverage Can North America در آمریکای شمالی به یک توافق پنج ساله با صاحبان شرکت رسیدند. این توافقنامه را اتحادیه متحد کارگران فولادساز امضاء کرده است. اتحادیه مذکور در ۱۰ آوریل گذشته دست به اعتصاب زده بود که طبق ادعای مقامات شرکت مذکور ۲۹/۷ میلیون دلار خسارت به شرکت وارد کرده است. طبق توافق جدید کارگران در سال اول بن

نقد مختصری در مورد تجدید نظر در مفاهیم بنیانی مارکسیستی

(در رابطه با مقاله ای از آقای تقی روزبه)

نیکو خراسانی

آقای تقی روزبه مقاله ای را تحت عنوان "همبستگی طبقاتی مهمترین پیام روز کارگر" منتشر کرده بودند که از جمله در سایت روشنگری منعکس شده بود و من در قسمت اظهار نظر پائین مقاله انتقاد خود را از محتوای آن نوشته بودم و ایشان در پاسخ به این انتقاد، مقاله ای را تحت عنوان (پاسخی به یک انتقاد از مقاله "همبستگی طبقاتی مهمترین پیام جهانی کارگر") نوشته اند که در سایت روشنگری قرار دارد.

نوشته حاضر در واقع در رابطه با مسائل مطرح شده در این مقاله نوشته شده.

هر دو مقاله در وبلاگ آقای تقی روزبه قرار دارد.

<http://taghi-roozbeh.blogspot.com/>

آقای تقی روزبه

تفاوت دیدگاه مارکسیست لنینیستها (یا بقول شما تمامیت خواه ها و خطی ها و غیر دمکراتها و سنتی ها) با شما و احتمالاً جریان متبوعتان (به عنوان غیر تمامیت خواه و غیر خطی و دمکرات و نوگرایان) در رابطه با مقولات ایدئولوژی، حزب، دولت و سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و... در واقع بدلیل نداشتن درک واحدی از مفاهیم بنیانی است.

تجدید نظر در مفاهیم مارکسیستی لنینیستی با ادعای سنتی بودن و خطی بودن آن و نفی دست آوردهای تئوری و پراتیک جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و تاریخ صد ساله جنبش کارگری و کمونیستی ایران در واقع آنچیزی است که شما را به منصور حکمت شبیه می کند.

برای روشن شدن موضوع، این دو درک متفاوت را در رابطه با برخی مفاهیم بنیانی با هم مقایسه میکنیم.

تعریف کار:

کار عملی است که محصول آن ارزش مصرف دارد. کار دارای سه شرط اصلی است:

- * نیروی کارگر
- * مواد اولیه
- * وسایل کار

* بنابراین هر فعالیتی کار نیست. خوردن، خوابیدن، رابطه جنسی داشتن، شطرنج بازی کردن کار محسوب نمی شود.

* هر محصولی که دارای ارزش مصرف است الزاماً دارای ارزش مبادله نیست. مثل پختن غذا در خانه یا دوخت و دوز، گلدوزی، منجوق دوزی خانگی یا کاشتن سبزی خوردن در باغچه خانه، هر چند تولیدی صورت گرفته و ارزش مصرف دارد ولی دارای ارزش مبادله نیست.

تعریف پرولتاریا

این اصطلاح در امپراطوری رم باستان به فقرا و زحمتگشان اطلاق میشده و در زمان ما هر چند در برخی اصطلاحات پرولتاریا به معنای اعم طبقه کارگر استعمال میشود ولی مفهوم خاص و دقیق این واژه مربوط به جامعه سرمایه داری است و به طبقه کارگر صنعتی مزدبگیر فاقد وسایل تولید که نیروی کار خود را به صاحبان وسائل تولید یعنی سرمایه داران میفروشد گفته میشود.

پرولتاریا که همراه با سایر زحمتکشان، مولد همه نعمات مادی است در جریان تولید علاوه بر ارزش نیروی کار خود ارزش اضافی نیز تولید میکند که از طرف کارفرما به شکل سود تصاحب میشود.

از نظر تاریخی طبقه پرولتاریا (کارگران صنعتی) هم زمان با زایش شیوه تولیدی سرمایه داری یعنی در مرحله تلاشی فئودالیسم شکل گرفته است. پرولتاریا یکی از دو طبقه اساسی فرماسیون اجتماعی اقتصادی سرمایه داری است و طبقه اساسی دیگر این صورتبندی بورژوازی است.

مبارزه طبقه پرولتاریا علیه سرمایه داری در سه بعد سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک است و این مبارزه حتی در مرحله گذار سوسیالیستی و حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا تا محو کامل طبقات ادامه دارد.

بنابراین طبق تعریف فوق همه مزد و حقوق بگیران یا استعمار شوندهگان پرولتر نیستند و نمی توانند باشند. چون در جامعه بردگی و دوران شکوفائی فئودالیسم نیز مزدبگیران و یا استعمار شوندهگان بوده اند.

تعریف لومپن پرولتاریا

از نظر لغوی معنای لومپن پرولتاریا ژنده پوش است ولی مفهوم دقیق علمی آن یعنی قشرهای وازده و طبقه خود را از دست داده است که در جوامع سرمایه داری اغلب در شهرهای بزرگ زندگی می کنند و دچار تباهی و فاقد وابستگی طبقاتی شده اند، بدون شغل و حرفه ای خاص بدون



کار مفید برای جامعه بسر می برند و احتمالاً" به هر کار ناشایست و ضد انسانی تن در می دهند. دزدان، چاقوکشان حرفه ای، اوباش، ولگردان، روسپیان و جنایتکاران باجگیر و نظایر اینها از این جمله اند. آنها فاقد علائق ایدئولوژیک مشترک و همبستگی طبقاتی با زحمتکشان هستند. قاتلین سیاسی و آدم کشانی که به خاطر پول حاضرند هر فعال سیاسی - اجتماعی مترقی را سر به نیست کنند از میان آنها برگزیده میشوند و گانگستر یسم سیاسی از آن ها بهره برداری می کند.

*متحدین طبقه پرولتاریا

تمام زحمتکشان شهر و روستا که محصول کارشان برای بقاء، ادامه و رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه ضروری و مفید است متحدین طبیعی طبقه پرولتاریا هستند.

حال بر این اساس تعاریف و توضیحات فوق، نقطه نظرات آقای تقی روزبه را بررسی می کنیم.

از نظر ایشان "پرولتاریا یعنی همه مزد و حقوق بگیران که برای ادامه زندگی خود نیروی کارشان را بفروشند". طبق این تعریف از طرفی تمامی نیروهای انتظامی و سپاه و ارتش و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و شکنجه گران و چماقداران و ماموران حراست و خلاصه همه دستگاه سرکوبگر و حامی رژیم سرمایه داری بدلیل مزد و حقوق بگیر بودن جزء طبقه پرولتاریا هستند و از طرف دیگر چون مزد و حقوق بگیران در دوران برده داری هم بوده اند. بنابر این پرولتاریا از بدو پیدایش طبقات و دولت وجود داشته و محصول دوران زوال فئودالیسم و شکل گیری سرمایه داری نیست.

آقای تقی روزبه در تعریف طبقه پرولتاریا می گویند:

"طبقه مقوله ای بسیار پویا بوده ... اگر در زمان مارکس کارگران صنعتی اکثریت پرولتاریا را تشکیل میدادند. امروز به موازات بخش های خدماتی با کمیت گسترده و همچنان رو به گسترش کارگران خدماتی و بر همین اساس تغییر اهمیت بخش های مختلف طبقه همراه می گردد."

بر خلاف نظر فوق در زمان مارکس و انگلس و لنین هم زحمتکشان شهر و روستا نسبت به طبقه پرولتاریا (کارگران صنعتی) اکثریت داشتند. اساساً مسئله کمیت مطرح نیست بلکه چگونگی رابطه با وسایل تولید و جا و مقام در تولید اجتماعی مطرح است. زحمتکشان بخش خدمات همواره حتی در دوران بردگی و فئودالی هم وجود داشته اند و محصول دوران

زوال فئودالیسم و شکل گیری سرمایه داری نیستند.

تاکید بر موقعیت پرولتاریا (کارگران صنعتی) به عنوان پیگیرترین طبقه انقلابی در جامعه سرمایه داری از این نظر است که ارتباط این طبقه با پیشرفته ترین شکل تولید صنایع ماشینی (در زمان ما با سیستم های پیچیده الکترونیکی و کامپیوتری) و تولید بزرگ صنعتی که دائماً رشد و تکامل می یابد (که خود خصلت تولید سرمایه داری است) شرایط مساعد را برای آموزش و اتحاد و تشکل پرولتاریا فراهم می کند و امکان این طبقه را برای سازمان دادن اقدامات آگاهانه توده ای از هر طبقه دیگری بیشتر می سازد. مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی قانون تکامل جامعه سرمایه داری است. پرولتاریا برای نبرد علیه سرمایه داری باید همه زحمتکشان شهر و روستا را بطرف خود جلب کرده و رهبری نماید.

استثمار پرولتاریا از جانب بورژوازی باعث تضاد آشتی ناپذیر منافع طبقاتی آنها و مبارزه طبقاتی آنهاست. در جریان این مبارزه بتدریج با منافع اساسی خود آگاه شده و درک اجتماعی رشد می یابد و به تدریج از اشکال مبارزه و درجات عالی تر تشکل استفاده می کند و بالاخره این مبارزه علیه همه سیستم سرمایه داری و به منظور استقرار سوسیالیسم متوجه می گردد.

آقای تقی روزبه در تعریف لومین پرولتاریا می گویند:

"نیروئی که هنوز جذب مناسبات کالائی سرمایه دارانه نشده اند... از قضا در بر پا کردن انقلاب بهمن نقش مهمی داشتند و بعد از این هم خواهند داشت. وجود و نقششان در انقلاب و به عنوان متحدین کارگران شاغل، مستلزم فاصله گرفتن هر چه بیشتر از درک مبتنی بر خلوص طبقه و ارزشی کردن آن است."

بنا به تعریف و توضیحات فوق چون آقای تقی روزبه و جریان متبوعشان از درک مبتنی بر خلوص طبقه پرولتاریا فاصله گرفته اند، لومین پرولتاریا یعنی (دزدان و ولگردان و چاقو کشان و روسپیان و جنایتکاران حرفه ای و گانگستر های سیاسی) را نه تنها متحدین پرولتاریا می دانند بلکه از نقش ویژه شان در انقلاب یاد می کنند. ولی واقعیت اینست که این قشر همواره و در همه جهان عمدتاً وسیله ای در دست ارتجاع سرمایه داری بوده است. از جمله در کشور خودمان در کودتای ۸۲ مرداد با پول سازمان جاسوسی آمریکا از عده ای چاقوکش و ارازل و فواحش استفاده شد و قبل از انقلاب توسط ساواک دستجات چماقدار جاوید شاه گو در شهرهای مختلف سازمان یافت و همچنین

در قبل و بعد از انقلاب تا به امروز ارتجاع مذهبی بازار و سپس ارتجاع حاکم سرمایه دار گروه های چماقدار فالانژ و باندهای ترور را از میان آنها علیه نیروهای انقلابی کمونیست و دمکرات و علیه کارگران و زنان مترقی و دانشجویان آزادیخواه سازمان دادند که از نمونه های معروف آن در زمان انقلاب در تهران گروه زهرا خانم و دار و دسته سیاه جامگان و گروه شیت در کرمانشاه بود.

آقای تقی روزبه می گویند:

"کارگر بودن، فی نفسه و در ماهیت خود، نه ارزش که ضد ارزشش بوده و چیزی جز بردگی نوین انسان نیست.

برخلاف نظر ایشان اگر کار را عامل انسان شدن انسان و تمایز آن از حیوانات و عامل تمامی نعمات مادی و معنوی جامعه انسانی بدانیم، آن وقت ارزش و فضیلت زحمتکشان و رنجبران را، ارزش و فضیلت کار و تلاش و مبارزه بردگان و دهقانان و کارگران را، این سازندگان واقعی تاریخ تکامل جامعه انسانی را درک می کنیم و طفیلی بودن و بیکاره بودن و انگل و پارازیت بودن را ضد ارزش می دانیم. پرولتاریا بعنوان تولید کننده همه نعمات مادی جهان برخلاف نظر ایشان فی نفسه ارزش است. چیزی که فی نفسه ضد ارزش است بهره کشی است چیزی که ضد ارزش است برده دار و برده داری، فئو دال و فئو دالیسم و سرمایه دار و سرمایه داری است.

آقای تقی روزبه که خود را چپ دمکرات غیر تمامیت خواه و غیر خطی و غیر سستی و نواندیش می داند، چکیده درکشان از طبقه پرولتاریا و متحدین آن در انقلاب آتی چنین است:

((همه مزد و حقوق بگیران، از جمله فواحش پرولتر هستند، البته کارگر بودن فی نفسه و در ماهیت خود ضد ارزش است و لومین پرولتاریا متحدین طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی هستند.))

آقای روزبه

انصافاً، صادقانه و صمیمانه کلاه خود را قاضی کنید و پاسخ دهید این است مفهوم غنا بخشیدن و درک خلاق داشتن از مارکسیسم؟

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org